

Early Maladaptive Schemas, Metacognitive Beliefs, and Cognitive Emotion Regulation Strategies in Orphanage and Non-Orphanage Adolescents

*Nazarboland N¹, Amini Yeganeh P², Fallahzadeh H³

Author Address

1. PhD of Psychology, Assistant Professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. MA of School Counseling, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

3. PhD of Counseling, Assistant Professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author Email: n.nazarboland@sbu.ac.ir

Received: 2018 November 25; Accepted: 2019 May 14

Abstract

Background & Objective: Orphanage children and adolescents might experience major mental issues due to lacking family-related advantages. Such problems include generating internalizing and externalizing disorders, as well as maladaptive and antisocial behaviors. Due to unsatisfied primary emotional needs, they may use maladaptive schemas, i.e., responsible for developing aggressive and antisocial behaviors in them. The early maladaptive schemas often unconsciously affect the information processing system and are activated automatically. Cognitive emotion regulation is defined as an individual's thoughts post negative events. Cognitive emotion regulation strategies are mostly dependent on an individual's metacognitive strategies; that refers to how one manages and modifies thoughts after assessing feelings and psychological status in different situations. Emotion regulation could be learned through family modeling and influenced by parenting styles during a child's development. Therefore, orphanages, who lack a regular family structure experience, may develop inappropriate behavioral expressions of emotions as a result of applying poor emotion regulation strategies. Thus, the present study aimed to compare early maladaptive schemas, metacognition, and cognitive emotion regulation strategies between the orphanage and non-orphanage adolescents. Data in this regard are scarce; therefore, the current research aimed to provide a framework for preventive and therapeutic programs while addressing the existing ambiguities.

Methods: This was a retrospective (casual/comparative) study. The study population included all adolescents (13-17-year-olds) in Tehran and Karaj Cities, Iran. The study sample included 191 adolescents, 90 of whom were selected using a convenience sampling technique from orphanage adolescents. Moreover, 101 of the study subjects were non-orphanages and selected by the multi-stage cluster sampling method. To ensure the orphanage subjects enjoyed a healthy Intellectual Quotient (IQ) range (≥ 90), the Raven's Progressive Matrices test was performed in them.

Additionally, non-orphanage adolescents were evaluated in terms of IQ, according to their school-provided academic scores (grade point average: ≥ 15.20). The study inclusion criteria included the lack of severe diseases or psychiatric disorders; for orphanage adolescents, a history of living in supporting organizations without their family since the age of ≤ 3 years, and non-orphanage adolescents to live with their family since birth. All study subjects completed the Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF), Metacognition Questionnaire (MCQ), and Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ). The obtained data were analyzed using Multivariate Analysis of Variance (MANOVA).

Results: The collected results revealed a significant difference between the orphanage and non-orphanage adolescents' early maladaptive schemas in terms of its components. These components included emotional deprivation ($p=0.009$), failure ($p=0.004$), dedication ($p=0.002$), emotional inhibition ($p=0.032$), and unrelenting standards ($p=0.027$). The study groups also significantly differed in metacognitive beliefs; orphanage adolescents experienced lower cognitive confidence, compared to their non-orphanage counterparts ($p<0.001$) in the components of metacognitive beliefs. Furthermore, there was a significant difference between the two groups in the cope/reception ($p=0.012$) and blaming others ($p=0.003$) components of cognitive emotion regulation strategies. The two study groups demonstrated no significant difference in other components of the research variables.

Conclusion: The present findings indicated that, compared to non-orphanage adolescents, orphanage ones used maladaptive schemas and experienced disrupted metacognitive beliefs, especially concerning cognitive confidence. Besides, they were weaker in applying appropriate cognitive emotion regulation strategies. Consistent with the expectations, these results highlighted the lack of family-related needs in orphanages. Additionally, their failure to exploit the family environment and parenting benefits may develop early maladaptive schemas in them, especially in components related to emotional fulfillment. This can unconsciously influence their metacognition abilities, and consequently, their failure to implement proper metacognition strategies, especially when emotional issues are considered. Such distortions in the cognitive processes of emotions may lead this group to use inappropriate cognitive emotion regulation strategies. These findings could be used to develop preventive, rehabilitative, and therapeutic plans by the experts.

Keywords: Cognitive emotion regulation strategies, Early maladaptive schemas, Metacognitive beliefs, Orphanage adolescents.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نوجوانان پرورشگاهی در قیاس با نوجوانان غیرپرورشگاهی

* ندا نظربلند^۱، پروین امینی یگانه^۲، هاجر فلاح‌زاده^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دکترای روان‌شناسی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛
 ۲. کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛
 ۳. دکترای مشاوره، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
 *رایانامه نویسنده مسئول: n.nazarboland@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۴ آذرماه ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: محرومیت کودکان و نوجوانان پرورشگاهی از مزایای زندگی در خانواده، گاهی آن‌ها را دچار مشکلات بنیادین در نظام روان‌شناختی می‌کند. پژوهش حاضر با هدف مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی صورت گرفت.

روش بررسی: این پژوهش با روش پس‌رویدادی (علی-مقایسه‌ای) انجام شد و جامعه آماری آن را تمامی نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله شهرهای تهران و کرج تشکیل دادند. گروه نمونه شامل ۱۹۱ نوجوان بود که ۹۰ نفر در پرورشگاه سکونت داشتند و از طریق نمونه‌گیری در دسترس هدف‌مند انتخاب شده و ۱۰۱ نفر غیرپرورشگاهی، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای وارد پژوهش شدند و به صورت فردی به فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF) (هنجاریابی آهی و دیگران، ۲۰۰۷) و پرسشنامه فراشناخت (MCQ-30) (هنجاریابی شیرین‌زاده دستگیری و دیگران، ۲۰۰۹) و پرسشنامه تنظیم‌شناختی هیجان (CERQ) (هنجاریابی امین‌آبادی و دیگران، ۲۰۱۱) پاسخ دادند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: از بین مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، محرومیت هیجانی ($p=0/009$)، شکست ($p=0/004$)، از خودگذشتگی ($p=0/002$)، بازداری هیجانی ($p=0/032$) و معیارهای سرسختانه ($p=0/027$) متفاوت بود. دو گروه به لحاظ باورهای فراشناختی با یکدیگر تفاوت داشتند: بدین صورت که نوجوانان پرورشگاهی دارای اطمینان شناختی کمتری در مقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی بودند ($p<0/001$). تفاوت راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان دو گروه در مؤلفه‌های کنارآمدن/پذیرش ($p=0/012$) و سرزنش دیگران ($p=0/003$) معنادار به دست آمد.

نتیجه‌گیری: نوجوانان پرورشگاهی در مقایسه با هم‌تایان غیرپرورشگاهی خود، واجد طرحواره‌های ناسازگار و باورهای فراشناختی معیوب به‌ویژه در حوزه خودباوری و اطمینان شناختی هستند که ناتوانی ایشان را در اتخاذ راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان مناسب در پی داشته است. این یافته‌ها می‌تواند جهت تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و توان‌بخشی و درمانی در اختیار متخصصان مربوط، قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: باورهای فراشناختی، راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نوجوانان پرورشگاهی.

دارند، در نتیجه اتخاذ باورهای فراشناختی ناکارآمد، در تنظیم هیجانات خود دشواری‌هایی داشته باشند. تنظیم شناختی هیجان^۴ به راهبردهایی اطلاق می‌شود که به منظور کاهش و افزایش یا نگهداری تجارب هیجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در رویدادهای تهدیدآمیز و پرتنش از طریق کمک به افراد برای مدیریت و تنظیم و کنترل هیجان‌ها ضروری است (۱۵).

کودکان از راه الگوسازی، تنظیم هیجانی را از خانواده خود فرا می‌گیرند و شیوه والدگری والدین چگونگی این توانمندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۶). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که جو عاطفی خانواده و ابرازگری والدین و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها بر توانمندی تنظیم شناختی هیجان در فرزندان مؤثر است. به علاوه، عوامل خانوادگی می‌تواند میانجی رابطه بین مشکلات هیجانی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان باشد (۱۷، ۱۶)؛ از این رو می‌توان انتظار داشت که کودکان و نوجوانان ساکن در مراکز نگهداری شبانه‌روزی که تجربه ساختار خانوادگی طبیعی را ندارند یا تجربیات خانوادگی نامناسبی داشتند، در ساختار طرحواره‌ها و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در مقایسه با کودکان و نوجوانان عادی که در محیط پویای خانواده رشد و پرورش یافته، متفاوت باشند. هرچند مطالعات صورت گرفته در حوزه مشکلات روان‌شناختی این دسته از کودکان و نوجوان بسیار محدود می‌باشد، یافته‌های پژوهشی حاکی از شیوع فراوان مشکلات هیجانی و اجتماعی در میان کودکان پرورشگاهی ساکن مؤسسات یا به فرزندخواندگی پذیرفته شده است (۱۸)؛ این نتیجه ممکن است ناشی از فقدان والدین (۱۹) و ضربه جدایی (۲۰) یا کمبود اعتماد و امنیت در اوایل کودکی و احساس محرومیت هیجانی باشد (۲۱). در غیاب مطالعات کافی در این حوزه، پژوهش حاضر به مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی پرداخت. مطالعاتی از این دست با توجه به بنیادهای شناختی و هیجانی نوجوانان پرورشگاهی، زمینه‌ای فراهم خواهد کرد که به نیازهای اساسی این افراد از جمله بهبود طرحواره‌های ناسازگار و باورهای فراشناخت منفی و راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان آنان توجه شود و یافته‌های آن‌ها می‌تواند ضمن رفع ابهامات موجود، راهگشای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی و توان بخشی باشد.

۲ روش بررسی

این پژوهش از نوع مطالعات نیمه‌آزمایشی بود که در آن از طرح پژوهشی پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را تمامی افراد بیمار زن ۳۰ تا ۶۵ ساله مبتلا به سرطان پستان استان بوشهر در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. نمونه آماری پژوهش حاضر ۳۰ بیمار زن مبتلا به سرطان پستان بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس از بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر

زندگی در کنار خانواده، در شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌ها و باورداشت‌های فرد نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که محرومیت از این واحد مهم اجتماعی یا عملکرد نامناسب والدین و جدایی یا فوت ایشان می‌تواند منجر به سوق دادن نوجوانان به سمت اختلالات درون‌سازی و برون‌سازی شده (۱) و مشارکت در رفتارهای پرخطر (۲)، افت کیفیت زندگی و ناتوانی در ابراز رفتارهای سازگارانه، مشکلات جدی در تنظیم هیجانات، ناتوانایی‌های ارتباطی، ناتوانی در پردازش صحیح اطلاعات و تحلیل شناختی را به دنبال دارد (۳). نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌والدینی زندگی می‌کنند و نیز ممکن است نوجوانان بی سرپرست یا بد سرپرست، بیش از سایر نوجوانان به دلیل ارضانشدن نیازهای هیجانی اساسی، از طرحواره‌های ناسازگار زیادی استفاده کنند (۴). طرحواره‌های ناسازگار از جمله سازه‌هایی است که فرایندهای زیربنایی در پدیدآیی رفتارهای ضداجتماعی را تبیین می‌کند. این سازه‌ها شامل الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری است که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل می‌شود و طی دوران کودکی شکل گرفته و در سیر زندگی تداوم یافته است؛ همچنین درباره خویش و رابطه با دیگران بوده و به شدت ناکارآمد است. این طرحواره‌ها، خود را از طریق تحریف‌های شناختی و الگوهای زندگی خودشکنا و سبک‌های کنارآمدن ناسازگارانه تداوم می‌بخشد و به طور مستقیم و غیرمستقیم سبب پریشانی روان‌شناختی می‌شود (۵). طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱ اغلب نفوذ خود را بر سیستم پردازش اطلاعات، در زیر آستانه هوشیاری اعمال کرده و حالتی خودآیند دارد؛ این ارتباط به حدی است که درمانگران معتقدند در زمان فعال‌شدن طرحواره‌های ناسازگار، راهبردهای فراشناختی^۲ با حالات هیجانی خود مقابله کرده و از تحریف اطلاعات محیط توسط طرحواره‌ها جلوگیری می‌کند (۶، ۷). راهبردهای فراشناختی به معنای آگاهی افراد از فرآیند تفکر خویش و توانایی آن‌ها برای کنترل این فرآیندهاست. فراشناخت، مفهومی چندوجهی بوده که دربردارنده دانش و فرآیندها و باورهایی است که شناخت را ارزیابی و نظارت می‌کند (۸، ۹). تجربه‌های فراشناختی شامل ارزیابی‌ها و احساس‌هایی می‌شود که افراد در موقعیت‌های مختلف درباره وضعیت روانی خود دارند و راهبردهای فراشناختی پاسخ‌هایی است که برای مدیریت و تغییر تفکر به‌کار گرفته می‌شود و به خودتنظیمی هیجانی و شناختی کمک می‌کند (۱۰). فراشناخت از طریق فرآیندهایی همچون کنترل، نظارت، برنامه‌ریزی و تصحیح بر پردازش شناختی انسان اثرگذار بوده و درمقابل با شیوه پردازش هیجانی فرد بر سلامت روانی یا آسیب‌پذیری درقبال آشفتگی‌های روانی نقش دارد (۱۱، ۱۰، ۸).

از سوی دیگر، باورها و شناخت‌ها پایه‌های اصلی شکل‌گیری عواطف و احساسات و هیجانات فرد است (۱۱). برخی پژوهش‌ها نیز از تعامل باورهای فراشناختی با اختلالات هیجانی حکایت می‌کنند (۱۴) - (۱۲)؛ لذا انتظار می‌رود افرادی که طرحواره‌های ناسازگار بیشتری

³ Metacognitive strategies

⁴ Cognitive emotion regulation

¹ Internalization and Externalization disorder

² Early maladaptive schemas

روش پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی (علی-مقایسه‌ای) بود. جامعه‌گروه نوجوانان پرورشگاهی را تمامی نوجوانانی تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ در مقاطع هفتم و هشتم و نهم تحصیل کرده و از کودکی (حداکثر سه سالگی) در مراکز شبانه‌روزی شهرهای تهران و کرج زندگی کردند. جامعه نوجوانان غیرپرورشگاهی نیز شامل تمامی نوجوانان شهر کرج بود که در همین مقاطع به تحصیل مشغول بودند و از بدو تولد نزد هر دو والد خود زندگی کردند. نمونه‌گیری نوجوانان پرورشگاهی به صورت در دسترس هدفمند صورت پذیرفت؛ به این ترتیب که ۵۰ نفر از نوجوانان ساکن در پرورشگاه شهر کرج و ۴۰ نفر از نوجوانان ساکن در پرورشگاه‌های شهر تهران (در مجموع ۹۰ نفر، ۵۰ دختر و ۴۰ پسر) انتخاب شدند. نمونه‌گیری نوجوانان غیرپرورشگاهی به شکل خوشه‌ای چندمرحله‌ای، با مراجعه به مدارس انجام شد و در نهایت، ۱۰۱ نفر (۵۰ دختر و ۵۱ پسر) به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ گفتند. ملاک‌های ورود به مطالعه برای هر دو گروه براساس فقدان هرگونه بیماری خاص جسمی و اختلال مشخص روان‌پزشکی معین شد؛ به‌علاوه، در گروه نوجوانان پرورشگاهی قراردادن در محدوده هوشی بهنجار (هوشبهر ۹۰ و بیشتر براساس آزمون هوشی ریون) و سپرده‌شدن به مؤسسات شبانه‌روزی حداکثر از سن سه‌سالگی و نیز برای نوجوانان غیرپرورشگاهی سابقه زندگی همراه با والدین از بدو تولد و کسب معدل ۱۵ و بیشتر در آزمون‌های پیشرفت تحصیلی (جهت اطمینان بخشی از قراردادن آن‌ها در محدوده هوشی بهنجار) به‌عنوان ملاک‌های ورود لحاظ گردید. در راستای رعایت اصول کمیته اخلاق، همه آزمودنی‌ها با هدف پژوهش آشنا شدند و ضمن اطمینان بخشی از حفظ محرمانه اطلاعات نزد محققان، با اعلام رضایت در پژوهش شرکت کردند.

از ابزارهای زیر در این پژوهش استفاده شد.

- ماتریس‌های پیش‌رونده ریون بزرگسالان: این آزمون سنجش هوش که در سال ۱۹۳۸ توسط پن‌روز و ریون (به نقل از ۲۲) ساخته شد، ۶۰ پرسش تصویری دارد و از پنج سری دوازده‌تایی (E تا A) تشکیل شده است که برای اندازه‌گیری عامل عمومی هوش اسپیرمن به‌کار می‌رود. بارکه (۱۹۷۲؛ به نقل از ۲۲)، ضرایب ثبات درونی آزمون را با ۵۰۰ آزمودنی بزرگسال در سنین مختلف در آمریکا بین ۸۹ درصد تا ۹۷ درصد گزارش کرد. هنجاریابی ایرانی این آزمون بر نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر تهران توسط چاپاری (۱۳۷۴؛ به نقل از ۲۳)، انجام شد و ضرایب پایایی آن برای گروه‌های سنی مذکور به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۸۹، ۰/۸۸ و ۰/۸۸ به دست آمد.

- نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ^۱ (YSQ-SF): این پرسشنامه توسط یانگ و براون (۱۹۹۴؛ به نقل از ۲۴) طراحی شد. ۷۵ سؤال دارد و به پنج حوزه (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، هدایت شدن توسط دیگران، هوشیاری افراطی و بازداری) طبقه‌بندی می‌شود. پانزده طرحواره ناسازگار اولیه در این

پرسشنامه سنجیده شده و نمره‌گذاری آن در چارچوب مقیاس لیکرت شش‌نقطه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) صورت می‌پذیرد که نمرات زیاد نشان‌دهنده حضور پررنگ‌تر طرحواره ناکارآمد است (۲۴). اولین پژوهش جامع را درباره ویژگی‌های روان‌سنجی این طرحواره‌ها جونز و اسمیت (۱۹۹۵؛ به نقل از ۲۵) انجام دادند و ضریب آلفای کرونباخ در جمعیت غیربالینی برای خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه بین ۶۵ درصد تا ۸۲ درصد به دست آمد. این پرسشنامه در ایران توسط آهی و دیگران (۲۴) ترجمه و اجرا شده و همسانی درونی آن برحسب آلفای کرونباخ در گروه مؤنث ۹۷ درصد و در گروه مذکر ۹۸ درصد گزارش شده است.

- فرم کوتاه پرسشنامه فراشناخت^۲ (MCQ-30): این پرسشنامه با ویژگی‌های روان‌سنجی مشابه فرم بلند اولیه، در سال ۲۰۰۳ توسط ولز و کارترایت-هاتون (۲۶) ساخته شد. پرسشنامه ۳۰ سؤالی بوده و ابعاد فراشناختی را در پنج خرده‌مقیاس باورهای مثبت درباره نگرانی، باورهای منفی در ارتباط با نگرانی، اطمینان شناختی، باورهای منفی درباره افکاری مانند تنبیه، خرافات و خودآگاهی شناختی بررسی می‌کند. نمره کل برای فراشناخت با مجموع نمرات زیرمقیاس‌ها به دست می‌آید و نمرات آن در دامنه ۳۰ تا ۱۲۰ قرار می‌گیرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که فرم کوتاه پرسشنامه ساختار عاملی فرم بلند را حفظ کرده است. ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های آن از ۷۲ درصد تا ۹۳ درصد گسترده است (۲۶). ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در نمونه ایرانی نیز توسط شیرین‌زاده دستگیری و دیگران (۲۷) تحت بررسی قرار گرفت که ضریب همسانی درونی را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱، برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۷، پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را در فاصله چهار هفته برای کل مقیاس ۰/۷۳ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۸۳ گزارش کردند. در کل، نتایج حکایت از این داشت که مقیاس در جامعه ایرانی خصوصیات روان‌سنجی مطلوبی دارد (۲۷).

- پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان^۳ (CERQ): در سال ۱۹۹۹ توسط گارنفسکی و همکاران طراحی شد و در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسید (۲۸). نسخه اصلی این پرسشنامه ۳۶ ماده دارد که در قالب مقیاس لیکرتی پنج‌نقطه‌ای (از همیشه تا هرگز)، براساس سازه‌های نظری و عملی طرح‌ریزی شده است. این پرسشنامه توسط امین‌آبادی و دیگران (۲۹) مورد تحلیل عاملی واقع شد و به ۲۶ سؤال کاهش یافت که تنظیم هیجان‌شناختی را در چهار عامل سرزنش خود و فاجعه‌آمیز‌پنداری، کنارآمدن/پذیرش، مثبت‌اندیشی و سرزنش دیگران، تحت سنجش قرار می‌دهد. بنابر یافته‌های این پژوهشگران، پرسشنامه ۲۶ سؤالی تنظیم هیجان‌شناختی با ضریب آلفای ۷۵ درصد از اعتبار کافی برخوردار است. در این پژوهش از فرم شش‌سؤالی پرسشنامه استفاده شد.

۳ یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان داد که در گروه نوجوانان پرورشگاهی ۵۵/۶ درصد دختر و ۴۴/۴ درصد پسر و در گروه نوجوانان غیرپرورشگاهی ۴۹/۵ درصد دختر و ۵۰/۵ درصد پسر هستند. میانگین سنی گروه نوجوانان پرورشگاهی ۱۴/۵۴ سال و گروه نوجوانان غیرپرورشگاهی ۱۴/۶۰ سال بود. جهت مقایسه هم‌زمان میانگین‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. برای این کار ابتدا پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره بررسی گردید. جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع نمرات، آزمون شاپیرو ویلک به کار رفت.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی و خلاصه نتایج تحلیل

واریانس چندمتغیره در هر دو گروه

مقدار p	مقدار F	غیرپرورشگاهی		پرورشگاهی		مؤلفه متغیر
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۹	۶/۹۴۴	۰/۶۷۷	۱۳/۹۰۰	۰/۷۰۹	۱۶/۴۸۴	محرومیت هیجانی
۰/۹۴۴	۰/۰۰۵	۰/۷۱۱	۱۶/۰۴۰	۰/۷۴۶	۱۵/۹۶۷	رهاشدگی
۰/۶۱۴	۰/۲۵۵	۰/۵۸۸	۱۵/۲۱۰	۰/۶۱۶	۱۴/۷۸۰	بی‌اعتمادی
۰/۳۳۶	۰/۹۳۲	۰/۶۵۳	۱۳/۳۵۰	۰/۶۸۵	۱۴/۲۶۴	بیگانگی اجتماعی
۰/۰۰۴	۸/۶۸۰	۰/۵۹۵	۱۰/۲۲۰	۰/۶۲۳	۱۲/۷۵۸	شکست
۰/۴۴۰	۰/۵۹۸	۰/۵۲۴	۱۱/۰۴۰	۰/۵۴۹	۱۱/۶۲۶	وابستگی
۰/۴۴۶	۰/۵۸۳	۰/۵۸۰	۱۱/۱۸۰	۰/۶۰۸	۱۰/۵۳۸	آسیب‌پذیری در قبال ضرر
۰/۱۷۹	۱/۸۲۲	۰/۵۸۳	۱۴/۰۲۰	۰/۶۱۲	۱۲/۸۷۹	خودتحول نیافته
۰/۷۱۷	۰/۱۳۱	۰/۶۰۴	۱۲/۶۵۰	۰/۶۳۳	۱۲/۹۶۷	اطاعت
۰/۰۰۲	۹/۹۵۱	۰/۵۳۶	۱۵/۳۱۰	۰/۵۶۲	۱۷/۷۵۸	از خودگذشتگی
۰/۰۳۲	۴/۶۶۷	۰/۷۷۸	۱۴/۴۰۰	۰/۸۱۶	۱۶/۸۳۵	بازداری هیجانی
۰/۰۲۷	۴/۹۳۷	۰/۶۲۸	۱۹/۲۳۰	۰/۶۵۸	۱۷/۲۰۹	معیارهای سرسختانه
۰/۵۹۵	۰/۲۸۳	۰/۶۲۶	۱۷/۳۴۰	۰/۶۵۸	۱۶/۸۵۷	استحقاق
۰/۷۱۵	۰/۱۳۴	۰/۶۵۶	۱۴/۵۲۰	۰/۶۸۸	۱۴/۸۶۸	خودانضباطی ناکافی
۰/۴۲۵	۰/۶۳۸	۶/۲۰۹	۲۱۲/۶۶۰	۶/۵۰۹	۲۱۹/۸۴۶	کل

شاخص‌های توصیفی و خلاصه نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره افراد فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، به ترتیب در جدول‌های دو گروه در متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای ۱ و ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های باورهای فراشناختی در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی و خلاصه نتایج تحلیل واریانس

چندمتغیره در هر دو گروه

مقدار p	مقدار F	غیرپرورشگاهی		پرورشگاهی		مؤلفه متغیر
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۳۴۵	۰/۸۹۶	۰/۴۴۵	۱۲/۱۰۹	۰/۴۷۱	۱۲/۷۲۲	باورهای نگرانی مثبت
۰/۵۴۸	۰/۳۶۲	۰/۵۴۲	۱۳/۹۳۱	۰/۵۷۵	۱۳/۴۵۶	باورهای نگرانی منفی
<۰/۰۰۱	۱۶/۳۵۴	۰/۴۸۰	۱۱/۱۳۹	۰/۵۰۹	۱۳/۹۶۷	اطمینان‌شناختی
۰/۳۵۳	۰/۸۶۷	۰/۴۸۷	۱۴/۰۴۰	۰/۵۱۶	۱۴/۷۰۰	باورهای منفی درباره افکار
۰/۱۳۶	۲/۲۴۰	۰/۴۶۷	۱۹/۴۹۵	۰/۴۹۴	۱۸/۴۷۸	خودآگاهی شناختی
۰/۳۲۸	۰/۹۶۳	۱/۸۲۵	۷۰/۷۱۳	۱/۹۳۳	۷۳/۳۲۲	کل

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی و خلاصه نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در هر دو گروه

مقدار F	مقدار p	غیرپرورشگاهی		پرورشگاهی		مؤلفه متغیر
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۱/۳۰۹	۰/۲۵۴	۳۸/۷۷۰	۰/۸۷۵	۳۷/۳۱۹	۰/۹۱۸	سرزنش خود و فاجعه‌آمیزپنداری
۶/۴۸۵	۰/۰۱۲	۲۳/۰۷۰	۰/۵۳۴	۲۱/۰۹۹	۰/۵۶۰	کنارآمدن/پذیرش
۰/۷۹۱	۰/۰۷۰	۱۷/۵۶۰	۰/۵۴۵	۱۷/۷۶۹	۰/۵۷۱	مثبت‌اندیشی
۹/۰۰۸	۰/۰۰۳	۸/۰۸۰	۰/۳۰۱	۶/۷۶۹	۰/۳۱۶	سرزنش دیگران
۳/۸۲۲	۰/۰۵۲	۸۷/۴۸۰	۱/۵۹۷	۸۲/۹۵۶	۱/۶۷۴	کل

محرومیت هیجانی باشد. یکی از ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ارضانشدن نیازهای هیجانی اساسی است (۵). به‌اعتقاد یانگ (۵) طرحواره‌های ناسازگار اولیه، اغلب به‌دلیل ارضانشدن پنج نیاز تحولی دوران کودکی شامل دل‌بستگی ایمن به دیگران، خودمختاری و کفایت و حس هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های منطقی و سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویش‌تنداری به‌وجود می‌آید. در نوجوانان پرورشگاهی مخصوصاً نیاز دل‌بستگی ایمن به دیگران باتوجه به محیط و شرایط مؤسسه‌ها، جابه‌جایی مکرر، تغییر کارکنان شبانه‌روزی‌ها یا تغییر سیاست‌های مرکز نگهداری ارضا نمی‌شود (۲۱). به‌علاوه، پژوهش‌ها مؤید آن است که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تحت بی‌توجهی و غفلت قرارگرفتن و بدرفتاری در دوران کودکی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (۳۰)؛ در نتیجه زندگی در پرورشگاه‌ها و وضعیت مؤسسه‌ای و محرومیت از والدین یا قرارگرفتن در معرض شیوه‌های نادرست فرزندپروری (کودکان و نوجوانان بدسرپرست) توانسته است رشد طرحواره‌های ناسازگار را در این نوجوانان تسریع کند.

در حوزه‌ی باورهای فراشناختی، نتایج کلی پژوهش حاکی از ضعف باورهای فراشناختی در نوجوانان پرورشگاهی بود. از دیدگاه جزئی‌تر، در زیرمقیاس باورهای مثبت درباره‌ی نگرانی و باورهای فراشناختی منفی در ارتباط با نگرانی و خودآگاهی شناختی دو گروه تفاوتی نداشتند؛ ولی در زیرمقیاس اطمینان شناختی کم، نوجوانان پرورشگاهی نمرات بیشتری کسب کردند؛ به این معنا که دارای اطمینان شناختی کمتری درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی بودند. از آنجا که ضعف در اطمینان شناختی ریشه در کمبود عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس کلی دارد و خود با مشکلات فرزندپروری و شیوه‌های دل‌بستگی در ارتباط است (۳۱)، شاید بتوان وجود چنین خصایصی را در نوجوانان پرورشگاهی ناشی از مشکلات اعتمادبه‌نفس و معضل‌های دل‌بستگی و شیوه‌های نادرست تربیتی در آن‌ها دانست؛ زیرا این نوجوانان طیف وسیعی از آسیب‌شناسی روانی را تجربه می‌کنند که احساس بی‌کفایتی، فقدان عزت‌نفس، ترس و انزوا، خشونت خصمانه، نگرش منفی به زندگی و روابط صمیمی، کناره‌گیری، از دست دادن حافظه و سردرگمی شناختی از آن جمله است (۳۲). در تأیید این فرض، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین اختلالات برونی‌سازی با اطمینان شناختی رابطه وجود دارد (۳۳). یافته‌های مایرز و ولز (۳۲) نیز بیانگر تأثیرپذیری همه‌ی مؤلفه‌های فراشناخت

باتوجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مؤلفه‌های محرومیت هیجانی ($p=0/009$)، شکست ($p=0/004$)، ازخودگذشتگی ($p=0/002$)، بازداری هیجانی ($p=0/032$) و معیارهای سرسختانه ($p=0/027$) تفاوت وجود دارد. مقایسه‌ی میانگین گروه‌ها در جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی در مؤلفه‌های محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی بیشتر و در مؤلفه‌ی معیارهای سرسختانه کمتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. همچنین بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی مؤلفه‌ی اطمینان شناختی از باورهای فراشناختی تفاوت معناداری دارد ($p<0/001$). براساس یافته‌های جدول ۲، میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی در مؤلفه‌ی اطمینان شناختی بیشتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. به‌علاوه، بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در مؤلفه‌های کنارآمدن/پذیرش ($p=0/012$) و سرزنش دیگران ($p=0/003$) تفاوت معنادار وجود دارد. مقایسه‌ی میانگین گروه‌ها نشان داد که میانگین نمرات نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی در مؤلفه‌های کنارآمدن/پذیرش و سرزنش دیگران کمتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معناداری ملاحظه نمی‌شود.

۴ بحث

مطالعه حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ی طرحواره‌های ناسازگار و باورهای فراشناختی با راهبردهای تنظیم هیجان در نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی انجام شد. نتایج نشان داد که در حوزه‌ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نمرات طرحواره‌های محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی در نوجوانان پرورشگاهی درمقایسه با نوجوانان غیرپرورشگاهی بیشتر و در طرحواره‌ی معیارهای سرسختانه کمتر است. در سایر مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

همسو با نتایج ابراهیم و دیگران (۲۱)، این نتیجه ممکن است مربوط به فقدان والدین، ضربه‌ی جدایی یا کمبود اعتماد و امنیت در اوایل کودکی، اثر جابه‌جایی و زندگی‌کردن در پرورشگاه و احساس

بر اساس آن بتوان اولاً مشخص کرد که آیا تفاوت ملاحظه شده در بین نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی ایرانی با وضعیت جهانی آن همسویی دارد و ثانیاً در سایه این مقایسه، جایگاه فرزندپروری والدین ایرانی را در تحول طرحواره‌ها و فرایندهای شناختی/هیجانی فرزندان مشخص کرد. از آنجا که در این مطالعه امکان کنترل سابقه زندگی نوجوانان پرورشگاهی (برای مثال دلایل مؤسسه‌سپاری نظیر بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، معلولیت‌های جسمی و...) وجود نداشت، پیشنهاد می‌شود در تعمیم نتایج به‌دست‌آمده، ملاحظات لازم در نظر گرفته شود.

۵ نتیجه‌گیری

کودکان و نوجوانان پرورشگاهی از حضور تربیتی، روان‌شناختی، حمایت مؤثر والدین و نیز از مزایایی زندگی در خانواده محروم هستند. چنین به‌نظر می‌رسد که محرومیت از محیط طبیعی خانوادگی باعث شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگاری همچون محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی در این نوجوانان شده که پیوسته پردازش اطلاعات شناختی ایشان را دچار تحریف می‌کند و بر تعاملات و هیجانات آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که با اتخاذ باورهای فراشناختی غیرمنطقی با تعبیر و تفسیر نادرست از موقعیت‌های روزمره و سرزنش خود و دیگران، هیجانات منفی و متعارض بیشتری را تجربه می‌کنند و در نتیجه از اتخاذ راهبردهای مؤثر تنظیم شناختی هیجان ناتوان هستند؛ بنابراین، با استناد به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود مؤسسات نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست با اتخاذ رویکردی پیشگیرانه، در زمینه اصلاح طرحواره‌های ناسازگار ساکنان و نیز آموزش‌های متناسب جهت کنترل و تنظیم هیجانات منفی در ایشان، اهتمام بیشتری ورزند.

(ازجمله اطمینان‌شناختی) از عاطفه منفی و سوءاستفاده شناختی است که وجودشان در نوجوانان پرورشگاهی دور از انتظار نیست. در مقایسه نمرات تنظیم شناختی هیجانی نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی، نتایج این پژوهش حاکی از متفاوت‌بودن راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در این دو گروه بود؛ نتایج تحلیل داده‌ها مشخص کرد که نمرات تنظیم هیجان در نوجوانان پرورشگاهی، به‌طور کلی کمتر از نوجوانان غیرپرورشگاهی است. همچنین نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که در مؤلفه‌های کنارا آمدن و پذیرش و سرزنش دیگران عملکرد نوجوانان پرورشگاهی بدتر از نوجوانان غیرپرورشگاهی است. این یافته با مطالعه کور و رانی (۳۴) همسوست که عنوان کردند کودکان پرورشگاهی مشکلاتی در مدیریت خشم و تنظیم هیجان دارند و نیز اختلالات هیجانی در نوجوانان پرورشگاهی دارای شیوع بیشتری است. کودکان نوجوانان پرورشگاهی، خشم بیشتری را تجربه می‌کنند و فقدان الگوهای مناسب فرونشانی هیجانات منفی و به‌جای آن دریافت الگوهای پرخاشگری از محیط، به شیوع بیشتر رفتارهای پرخاشگرانه و ضعف در راهکارهای تنظیم هیجان در این افراد منتهی می‌شود (۳۵). چنانچه به یافته‌های قبلی همین مطالعه نیز استناد گردد، وجود طرحواره‌های ناسازگاری چون محرومیت هیجانی، شکست، ازخودگذشتگی و بازداری هیجانی در این نوجوانان، آن‌ها را بیشتر از سایرین در معرض مشکلات هیجانی قرار می‌دهد و وقتی این طرحواره‌های ناسازگار در کنار باور فراشناختی معیوبی چون اطمینان‌شناختی ضعیف قرار می‌گیرد، ناگزیر اتخاذ راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگاری را موجب می‌شود. به‌منظور غنی‌سازی هرچه بیشتر نتایج، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، مطالعاتی با هدف مقایسه نمرات نوجوانان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی ایران با استانداردهای جهانی صورت پذیرد تا

References

1. Camp NH. The influence of parental involvement in single-father, single-mother and heterosexual married two-parent family systems on adolescent internalizing and externalizing behaviors. [Ph.D. dissertation]. [Boston, US]: Bouvé College of Health Sciences, Northeastern Univ; 2012, pp: 23–28.
2. Falana B, Bada F, Ayodele C. Single-parent family structure, psychological, social and cognitive development of children in Ekiti state. *Journal of Educational and Developmental Psychology*. 2012;2(2):158. doi: [10.5539/jedp.v2n2p158](https://doi.org/10.5539/jedp.v2n2p158)
3. Shulga TI, Savchenko DD, Filinkova EB. Psychological characteristics of adolescents orphans with different experience of living in a family. *International Journal of Environmental and Science Education*. 2016;11(17):10493–504.
4. Khodabakhshi Koolaei A, Baseri Salehi N, Roshan R, Falsafinejad MR. The compare maladaptive cognitive schemas and irrational beliefs and communicational skills between orphan adolescences and non-orphan adolescences. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*. 2014;2(1):1–12. [Persian] <http://ijpn.ir/article-1-282-fa.pdf>
5. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. Guilford Press; 2003.
6. Yalçın SB, Kavaklı M, Kesici Ş, Ak M. University students' early maladaptive schemas' prediction of their mindfulness levels. *Journal of Education and Practice*. 2017;8(20):174–181.
7. Martin KP, M. Blair S, Clark GI, Rock AJ, Hunter KR. Trait mindfulness moderates the relationship between early maladaptive schemas and depressive symptoms. *Mindfulness*. 2018;9(1):140–50. doi: [10.1007/s12671-017-0753-7](https://doi.org/10.1007/s12671-017-0753-7)

8. Hoffart A, Johnson SU, Nordahl HM, Wells A. Mechanisms of change in metacognitive and cognitive behavioral therapy for treatment-resistant anxiety: The role of metacognitive beliefs and coping strategies. *Journal of Experimental Psychopathology*. 2018;9(3). doi: [10.1177/2043808718787414](https://doi.org/10.1177/2043808718787414)
9. Martinez ME. What Is Metacognition? *Phi Delta Kappan*. 2006;87(9):696–9. doi: [10.1177/003172170608700916](https://doi.org/10.1177/003172170608700916)
10. Rochat L, Manolov R, Billieux J. Efficacy of metacognitive therapy in improving mental health: A meta-analysis of single-case studies. *J Clin Psychol*. 2018;74(6):896–915. doi: [10.1002/jclp.22567](https://doi.org/10.1002/jclp.22567)
11. Rothermund K, Koole SL. Three decades of Cognition & Emotion: A brief review of past highlights and future prospects. *Cogn Emot*. 2018;32(1):1–12. doi: [10.1080/02699931.2018.1418197](https://doi.org/10.1080/02699931.2018.1418197)
12. Nordahl H, Nordahl HM, Vogel PA, Wells A. Explaining depression symptoms in patients with social anxiety disorder: Do maladaptive metacognitive beliefs play a role? *Clin Psychol Psychother*. 2018;25(3):457–64. doi: [10.1002/cpp.2181](https://doi.org/10.1002/cpp.2181)
13. Østefjells T, Lystad JU, Berg AO, Hagen R, Loewy R, Sandvik L, et al. Metacognitive beliefs mediate the effect of emotional abuse on depressive and psychotic symptoms in severe mental disorders. *Psychol Med*. 2017;47(13):2323–33. doi: [10.1017/S0033291717000848](https://doi.org/10.1017/S0033291717000848)
14. Sellers R, Gawęda Ł, Wells A, Morrison AP. The role of unhelpful metacognitive beliefs in psychosis: Relationships with positive symptoms and negative affect. *Psychiatry Res*. 2016;246:401–6. doi: [10.1016/j.psychres.2016.10.029](https://doi.org/10.1016/j.psychres.2016.10.029)
15. Gross JJ. *Handbook of Emotion Regulation*, First Edition. New York: Guilford Press; 2011.
16. Otterpohl N, Wild E. Cross-lagged relations among parenting, children’s emotion regulation, and psychosocial adjustment in early adolescence. *J Clin Child Adolesc Psychol*. 2015;44(1):93–108. doi: [10.1080/15374416.2013.862802](https://doi.org/10.1080/15374416.2013.862802)
17. Morris AS, Silk JS, Steinberg L, Myers SS, Robinson LR. The role of the family context in the development of emotion regulation. *Soc Dev*. 2007;16(2):361–88. doi: [10.1111/j.1467-9507.2007.00389.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2007.00389.x)
18. Shiferaw G, Bacha L, Tsegaye D. Prevalence of depression and its associated factors among orphan children in orphanages in Ilu Abba Bor Zone, South West Ethiopia. *Psychiatry Journal*. 2018; 6865085. doi: [10.1155/2018/6865085](https://doi.org/10.1155/2018/6865085)
19. McCall RB, Groark CJ, Hawk BN, Julian MM, Merz EC, Rosas JM, et al. Early caregiver-child interaction and children’s development: Lessons from the St. Petersburg-USA Orphanage Intervention Research Project. *Clin Child Fam Psychol Rev*. 2019;22(2):208–24. doi: [10.1007/s10567-018-0270-9](https://doi.org/10.1007/s10567-018-0270-9)
20. Orme JG, Buehler C. Foster family characteristics and behavioral and emotional problems of foster children: A narrative review. *Family Relations*. 2001;50(1):3–15.
21. Ibrahim A, El-Bilsha MA, El-Gilany AH. Prevalence and predictors of maladaptive cognitive schema among orphans in dakahlia governorate orphanages, Egypt. *Middle East Journal of Psychiatry and Alzheimers*. 2012;84(236):1–11.
22. Raven J. Raven Progressive Matrices. In: McCallum RS. *Handbook of Nonverbal Assessment*. Boston: Springer; 2003. pp: 223–37. doi: [10.1007/978-1-4615-0153-4_11](https://doi.org/10.1007/978-1-4615-0153-4_11)
23. Poorfereydoni F, Karami A, Farrokhi NA. Objective: Standardizing the Claasic intlligence scale among Tehranian high school students populaion. *Educational Psychology*. 2007;3(10):97. [Persian] http://journals.atu.ac.ir/article_2120_0e706374faf9b93c22a7152a070c6d7c.pdf
24. Ahi Gh, Mohammadifar MA, Besharat MA. Reliability and validity of Young’s schema questionnaire-short form. *Journal of Psychology And Education*. 2007;37(3):5–20. [Persian]
25. Lotfi R, Donyavi V, Khosravi Z. Comparison of early maladaptive schemas between personality disorder (cluster b) and normal subjects. *Quarterly Annals of Military And Health Sciences Research*. 2007;5(218):1261–6. [Persian] <https://www.sid.ir/FileServer/JF/69513861815.pdf>
26. Wells A, Cartwright-Hatton S. A short form of the metacognitions questionnaire: Properties of the MCQ-30. *Behav Res Ther*. 2004;42(4):385–96. doi: [10.1016/S0005-7967\(03\)00147-5](https://doi.org/10.1016/S0005-7967(03)00147-5)
27. Shirinzadeh Dastgiri S, Goudarzi MA, Rahimi Ch, Naziri Gh. Study of factor structure, validity and reliability of metacognition questionnaire-30. *Journal of Psychology*. 2009;12(148):445–61. [Persian]
28. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*. 2001;30(8):1311–27. doi: [10.1016/S0191-8869\(00\)00113-6](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(00)00113-6)
29. Aminabadi Z, Dehghan M, Khodapanah MK. Factor structure and validation of the Cognitive Emotion

- Regulation Questionnaire. *International Journal of Behavioral Sciences*. 2012;5(4):365–71. [Persian] http://www.behavsci.ir/article_67755_959bba56ec4b0f32baf75afdd7366eab.pdf
30. Cecero JJ, Nelson JD, Gillie JM. Tools and tenets of schema therapy: toward the construct validity of the early maladaptive schema questionnaire–research version (EMSQ-R). *Clinical Psychology & Psychotherapy*. 2004;11(5):344–57. doi: [10.1002/cpp.401](https://doi.org/10.1002/cpp.401)
 31. Gallagher B, Cartwright-Hatton S. The relationship between parenting factors and trait anxiety: mediating role of cognitive errors and metacognition. *J Anxiety Disord*. 2008;22(4):722–33. doi: [10.1016/j.janxdis.2007.07.006](https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2007.07.006)
 32. Myers SG, Wells A. Early trauma, negative affect, and anxious attachment: the role of metacognition. *Anxiety Stress Coping*. 2015;28(6):634–49. doi: [10.1080/10615806.2015.1009832](https://doi.org/10.1080/10615806.2015.1009832)
 33. Behadouri MH, Jahan-Bakhsh M, Kajbaf MB, Faramarzi S. The effectiveness of meta-cognitive therapy on meta-cognitive beliefs and cognitive trust in patients with social phobia disorder. *Journal of Clinical Psychology*. 2012;4(1):33–41. doi: [10.22075/JCP.2017.2077](https://doi.org/10.22075/JCP.2017.2077)
 34. Kaur S, Rani C. Exploring psychological health of orphan adolescents: A comparative analysis. *International Journal of English Language, Literature and Humanities*. 2015;3(4):27–47
 35. Dorsey S, Lucid L, Murray L, Bolton P, Itemba D, Manongi R, et al. A Qualitative Study of Mental Health Problems Among Orphaned Children and Adolescents in Tanzania. *J Nerv Ment Dis*. 2015;203(11):864–70. doi: [10.1097/NMD.0000000000000388](https://doi.org/10.1097/NMD.0000000000000388)